

تعهد به محاکمه یا استرداد در پرونده حسن هابره

امیر بی پروا*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۰

چکیده

رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بلژیک علیه سنگال در خصوص نقض مواد ۶ و ۷ کنوانسیون منع شکنجه نسبت به تعهد به محاکمه یا استرداد حسن هابره رئیس‌جمهور پیشین چاد، از ابعاد مختلف دارای اهمیت می‌باشد که تعهد جامعه بین‌المللی در خصوص تعقیب یا استرداد جنایتکاران بین‌المللی را نشان می‌دهد. لذا این رأی، صلاحیت دولت بلژیک نسبت به تعقیب حسن هابره به اتهام جنایت بین‌المللی شکنجه و این که منع شکنجه به عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی پذیرفته شده است و مصونیت رؤسای کشورها منجر به معافیت آنان از تعقیب نسبت به ارتکاب جنایات بین‌المللی نمی‌شود و اعضای جامعه بین‌المللی در صورت عدم تعقیب یا استرداد جنایتکاران بین‌المللی دارای مسؤولیت می‌باشند مورد توجه قرار می‌گیرد به گونه‌ای که از منظر حقوق بین‌الملل معاصر، هیچ نقطه‌ای از جهان، برای فرار از مجازات جنایتکاران بین‌المللی نمی‌باشد. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده حسن هابره مؤید الزام دولت به تعهد به محاکمه یا استرداد هابره به اتهام شکنجه می‌باشد.

واژگان کلیدی: صلاحیت جهانی، شکنجه، مصونیت، استرداد، محاکمه.

* دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) و مدرس دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
biparvaamir@yahoo.com

مقدمه

حسن هابره رئیس جمهور سابق چاد در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ در رأس قدرت قرار داشت و در سال ۱۹۹۰ توسط *ادریس/بی سرنگون* شد. در حکومت هابره چاد با نقض‌های فاحش قواعد حقوق بشری مواجه بود به طوری که مشخصه اصلی حکومت حسن هابره قتل‌های سیاسی گسترده، شکنجه‌های سیستماتیک و بازداشت‌های غیرقانونی است که توسط پلیس سیاسی حکومت هابره تحت کنترل مؤثر وی بود و به طور مستقیم به او گزارش می‌شد، اتفاق افتاد (international amnesty, 1997, pp. 59-60). آمریکا و فرانسه از حکومت هابره حمایت می‌کردند و از منظر آنان دولت وی به منزله سدی علیه دولت *قنا/فی* بوده است. در زمان ریاست جمهوری ریگان، ایالات متحده حمایت‌های سیا را برای بر سر قدرت ماندن هابره انجام می‌داد. پیش از این ایالات متحده آمریکا به تجهیز دولت هابره با ده میلیون دلار کمک نظامی و آموزش و حمایت از DDS (سرویس اطلاعاتی هابره) پرداخته بود، حال آن که این سازمان به شکنجه و اعمال وحشیانه علیه شهروندان چاد می‌پرداخت. ایالات متحده آمریکا یک سازمان تروریستی زیرزمینی مخفی را در چاد برای آموزش سربازان لیبیایی علیه دولت *قنا/فی* تأسیس کرده بود (Reed Broby, 2001, p. 35).

در ۲۵ فوریه سال ۲۰۰۰ هفت نفر از قربانیان چادی به همراه انجمن قربانیان جنایات هابره بر مبنای تعهدات دولت سنگال طبق کنوانسیون منع شکنجه، شکایت کیفری را به بازپرس بخش داکار علیه حسن هابره تقدیم کردند. در سوم فوریه همان سال قاضی (بازپرس) سنگالی، قرار بازداشت خانگی هابره را به اتهام جنایت علیه بشریت و شکنجه صادر کرد. در ۱۸ فوریه ۲۰۰۰ هابره برای ابطال قرار بازداشت و تعقیب وی با این استدلال که دادگاه‌های سنگال صلاحیت ندارند اعتراض کرد. در ۴ جولای ۲۰۰۰ دادگاه تجدیدنظر اتهامات هابره را نپذیرفت و به جهت عدم صلاحیت و به این جهت که محاکم سنگال صلاحیت رسیدگی به اعمال شکنجه ارتکاب یافته توسط خارجیان خارج از سنگال را بدون توجه به ملیت قربانیان ندارند رأی را نقض کرد. در ۲۰ مارس ۲۰۰۱ دیوان عالی سنگال نیز اعلام کرد که قاضی سنگالی صلاحیت رسیدگی به موضوع را ندارد. در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۰ انجمن قربانیان چادی شکایتی را تقدیم بازپرس بلژیک برای نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شکنجه و نسل‌کشی کردند. از ۳۰ نوامبر ۲۰۰۰ تا ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱ بیست نفر دیگر شکایات مشابهی را علیه هابره طرح کردند

که دو نفر از آنها دارای تابعیت چادی و بلژیکی و هجده نفر دیگر دارای تابعیت چادی بودند و این شکایات مبتنی بر قانون مجازات نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه مصوب ۱۹۹۳ و اصلاحی ۱۹۹۹^۱ و کنوانسیون منع شکنجه مطرح شدند (icj, 2011, p. 11). به موجب قانون مذکور، مراجع قضایی بلژیکی دارای صلاحیت جهانی نسبت به تعقیب هابره و رسیدگی به جنایات وی بودند.

در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ اقدامات قضایی در بلژیک به منظور بررسی شکایات و شهود و مدارک موجود انجام گرفت. در سال ۲۰۰۲ قاضی تحقیق *فرانسس* از دادگاه بخش بروکسل و دادستان بلژیکی و چهار پلیس ویژه جرایم علیه بشریت بلژیک، از چاد دیدن کردند و به جمع‌آوری ادله و اسناد مربوط به جرایمی که در دولت هابره اتفاق افتاده بود پرداختند. دولت چاد همکاری کامل را با آنها داشت و آنها توانستند به جمع‌آوری اسناد و مدارک و شهادت از شاکیان و بازدید از زندان‌ها و گورهای دسته‌جمعی بپردازند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

در ۷ اکتبر ۲۰۰۲ مدیر دادگستری چاد به قاضی بلژیکی اعلام کرد که آقای هابره به‌عنوان رئیس سابق دولت از مصونیت برخوردار نمی‌باشد و مصونیت‌ها از تحقیق قضایی از رئیس جمهور سابق سلب گردیده است. در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ قاضی بلژیکی قرار بازداشت بین‌المللی هابره را به اتهام مباشرت و معاونت در نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شکنجه، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی صادر کرد. بلژیک قرار بازداشت بین‌المللی را به سنگال ارسال و درخواست استرداد آقای هابره را از سنگال کرد. در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵ دادگاه استیناف داکار حکم کرد که دادگاه صلاحیت برای موضوعات مربوط به تعقیب و محاکمه رئیس دولت برای اعمال مورد ادعایی که در راستای وظایفش مرتکب شده است را ندارد و اعلام کرد که بازداشت رئیس جمهور غیرقانونی است. سنگال یک روز بعد از صدور رأی دادگاه، موضوع را به اتحادیه آفریقا ارجاع داد و اتحادیه آفریقا اعلام کرد که مراجع صالح سنگال می‌بایست موجبات محاکمه عادلانه هابره را فراهم نمایند.

1. Law of 16 June 1993 concerning the punishment of serious violations of international humanitarian law as amended by the law of 10 February 1999.

۱. طرح دعوای بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری

در ۱۹ فوریه ۲۰۰۹ در دیوان بین‌المللی دادگستری، بلژیک علیه سنگال دعوایی طرح کرد مربوط به تعهد سنگال به تعقیب آقای هابره رئیس‌جمهور سابق چاد یا استرداد او به بلژیک به‌منظور تحت تعقیب کیفری قرار دادن وی که مبنی بر دعوای بلژیک، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۲ و حقوق بین‌المللی عرفی طرح شده بود. دولت بلژیک از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست که اعلام کند:

۱- الف) سنگال تعهد بین‌المللی‌اش را با قصور در گنجاندن مقررات صلاحیت جهانی که در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه برای قادر ساختن مراجع قضایی سنگال برای اعمال صلاحیت جهانی آمده، نقض کرده است.

۱- ب) سنگال تعهدات بین‌المللی‌اش را در چهارچوب بند ۲ از ماده ۶ و بند ۱ از ماده ۷ کنوانسیون منع شکنجه نقض کرده است و در چهارچوب حقوق بین‌الملل عرضی با قصور در فراهم کردن موجبات تعقیب کیفری هابره به‌خاطر ارتکاب اعمالی که به‌عنوان جرایم شکنجه، نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مشخص شده است نقض کرده است یا می‌بایست به‌منظور تعقیب کیفری او را به بلژیک مسترد کند.

۱- ج) سنگال نباید به مسائل مالی و دیگر مشکلات برای توجه به نقض تعهدات بین‌المللی خود استناد کند.

۲- سنگال باید اعمال خلاف بین‌المللی خویش را متوقف کند:

الف) به‌وسیله ارجاع بدون تأخیر پرونده هابره به مراجع ذی‌صلاح برای تعقیب یا
ب) در صورت قصور، با استرداد وی به بلژیک (icj, 2012, p. 8).

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۲۰ فوریه ۲۰۱۲ خویش اعلام کرد که نسبت به اختلاف طرفین در خصوص تفسیر و اجرای کنوانسیون منع شکنجه، صلاحیت دارد. آنچه که در رأی دیوان قابل توجه می‌باشد مسئله صلاحیت جهانی نسبت به جرایم بین‌المللی است و این که شکنجه به‌عنوان یک جرم بین‌المللی شناخته شده است و منع آن یک قاعده آمره بین‌المللی می‌باشد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که در خصوص ارتکاب جرایم بین‌المللی آیا مصونیت می‌تواند مانعی برای تعقیب کیفری سران کشورها که مرتکب جرایم بین‌المللی می‌شوند، باشد و دولت‌ها در تعهد به استرداد و محاکمه جنایاتکاران بین‌المللی چه مبنایی دارند؟ در ادامه، ابعاد مطروحه در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. صلاحیت جهانی در جنایات بین‌المللی

صلاحیت جهانی در رسیدگی به اتهامات حسن هابره و تکرار جنایات بین‌المللی که صلح و امنیت جهانی را نقض کرده و منجر به نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌گردد این مهم را به ذهن متبادر می‌سازد که جامعه بین‌المللی نسبت به پیشگیری از جنایات بین‌المللی و برخورد با مرتکبین آنها دارای مسؤولیت می‌باشد.

آنجا که جرم در داخل کشور رخ نداده است و مجنی‌علیه از اتباع کشور نمی‌باشد و مرتکب آن نیز از اتباع کشور نیست ولی از جرایم مهم بین‌المللی است که نگرانی جامعه بین‌المللی را برمی‌انگیزد، هر یک از کشورها به‌عنوان عضو جامعه بین‌المللی بدون هیچ نوع ارتباطی می‌توانند آن جرم را تحت تعقیب قرار دهند و به‌منظور حمایت از ارزش‌های مشترک بشری و مقابله با جرایم بین‌المللی که از منظر حقوق بین‌الملل جنایت بین‌المللی تلقی می‌گردند وارد رسیدگی می‌شوند. بنابر تعریف کلی، صلاحیت جهانی به‌معنای اعمال صلاحیت کیفری دادگاه‌های داخلی نسبت به اعمال مجرمانه‌ای است که هرکس در هر جای این جهان مرتکب شده باشد (رنجریان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵).

صلاحیت جهانی ابتدا به‌عنوان یک اصل در حقوق بین‌المللی عرفی در قرن هفدهم و در مورد دزدی دریایی اعلام شد و بر طبق آن، هر دولتی صلاحیت دستگیری و اجرای عدالت را در مورد افراد مظنون به ارتکاب دزدی دریایی صرف‌نظر از تابعیت آنها و محل ارتکاب جرم داشت. فلسفه اعطای این صلاحیت استثنایی به دولت‌ها برای عدول از اصول سنتی سرزمین یا تابعیت، نیاز به مبارزه مشترک در برابر جرمی بود که همه دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. لذا اساس صلاحیت جهانی بر علاقه مشترک همه دولت‌ها بنا نهاده شده بود. هر دولتی می‌دانست که با محاکمه دزدان دریایی مظنون، همزمان از منافع اساسی خود و سایر دولت‌ها حمایت می‌کند (کاسسه، ۱۳۸۷، ص ۳۵۸ و ۳۵۹).

بنابر آنچه که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه /وتوس اعلام کرده است، دولت‌ها مجازند که تخلفات فراسرزمینی را مشروط به عدم نقض قواعد ممنوع حقوق بین‌المللی مورد تعقیب و رسیدگی قرار دهند.

مبنای صلاحیت جهانی، در کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در خصوص قربانیان جنگی، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، کنوانسیون جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما ۱۹۷۰ لاهه و کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ۱۹۸۸

پذیرفته شده است. از اصل صلاحیت جهانی دو تفسیر می‌توان ارائه داد که به شرح زیر می‌باشد:

به موجب تفسیر نخست، فقط دولتی که متهم در آن بازداشت است صلاحیت جهانی دارد که به آن صلاحیت جهانی مشروط می‌گویند. در حقوق بین‌الملل در مورد نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل تکمیلی اول ۱۹۷۷، کنوانسیون منع شکنجه به ترتیب مذکور عمل می‌شود. لکن این معاهدات، خود را محصور به اعطای صلاحیت تعقیب و محاکمه نمی‌کنند. آنها دولت‌ها را به این‌که یا خود به تعقیب و محاکمه مبادرت ورزند و یا به‌عنوان راهکار، خوانده را به دولت مربوطه مسترد کنند، مکلف می‌نمایند. این تعبیر از اصل جهان‌شمولی در قوانین داخلی برخی از دولت‌ها نیز همانند اتریش، آلمان و سوئیس اعمال می‌شود (کاسسه، ۱۳۸۷، ص ۳۶۱).

به موجب تفسیر دوم، مفهوم موسع از صلاحیت جهانی عبارت است از این‌که یک دولت بدون توجه به محل ارتکاب جرم، تابعیت مجنی‌علیه یا متهم و یا این‌که متهم در قلمرو آن کشور حضور دارد یا خیر، وی را تحت تعقیب قرار می‌دهد. دولت‌ها می‌توانند صلاحیت کیفری بر این افراد اعمال کنند بدون این‌که لازم باشد فرد حتی به‌طور موقت در آن کشور حضور داشته باشد.

به موجب ماده ۷-۵ قانون جزایی ایتالیا، اتباع ایتالیا یا بیگانگانی که در خارج از کشور مرتکب هر جرمی شده‌اند که برای آن مقررات قانونی ویژه یا معاهدات بین‌المللی مقرر می‌کنند که بایستی قانون جزایی ایتالیا اعمال شود، طبق قانون ایتالیا قابل مجازات می‌باشند. این ماده را می‌توان بدین‌صورت هم تفسیر کرد که مباشرین مظنون به ارتکاب جرایم بین‌المللی را حتی اگر در قلمرو ایتالیا نباشند می‌توان تعقیب نمود مشروط به آن‌که جرایم در معاهدات بین‌المللی که ایتالیا تصویب نموده است پیش‌بینی شده باشد و بر اساس این معاهدات دادگاه‌های ایتالیا بتوانند اعمال صلاحیت کنند (R.Maison, 1995, p. 260).

۲-۱. دولت سنگال و اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جنایات هابره

پس از طرح شکایت علیه حسن هابره در دادگاه‌های سنگال در سال ۲۰۰۰ محاکم سنگال چنین استدلال کرده بودند که موضوع فقط زمانی قابلیت رسیدگی و پیگرد در دادگاه‌های سنگال را دارد که شاکیان از اتباع سنگال و موضوع صلاحیت دولت سنگال

باشد و سنگال صلاحیت رسیدگی به اعمال شکنجه ارتکاب یافته خارج از سنگال توسط خارجیان را ندارد.

دولت سنگال کنوانسیون منع شکنجه را پذیرفته است و در تاریخ ۲۱ آگوست ۱۹۸۶ بدون اعمال حق شرط، کنوانسیون را امضا کرده و از تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ لازم الاجرا گردیده است. بند ۲ از ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه مقرر می‌دارد که هر دولت عضو اقدامات لازم را در جهت کسب امتیازات قانونی در نظام قضایی خود، به عمل خواهد آورد. این اقدامات در مواردی است که جرم‌هایی در قلمرو قضایی آن کشور صورت گرفته است و فرد متهم به کشور متبوعش تسلیم نشده است. طبق بند ۱ ماده ۸ نیز متهم، به دولت‌هایی که نامشان ذکر شده است مسترد خواهد شد.

در این موضوع، حسن هابره در سنگال حاضر است و متهم به ارتکاب جرم شکنجه است و دادگاه‌های سنگال صلاحیت رسیدگی به اعمال شکنجه ارتکاب یافته توسط خارجیان، خارج از سنگال را ندارند، در حالی که این استدلال با بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه مغایر است. سنگال به موجب کنوانسیون منع شکنجه مکلف است قوانین داخلی لازم را برای اجرای تعهداتش در خصوص کنوانسیون مذکور تصویب کند. طبق ماده ۲۷ کنوانسیون معاهدات وین، یک طرف معاهده نمی‌تواند به حقوق داخلی خود به عنوان توجیهی برای قصور در اجرای معاهده استناد نماید. در سال ۲۰۰۷ سنگال اصلاحات قانون‌گذاری به منظور مطابق ساختن قانون داخلی خود با بند ۲ کنوانسیون منع شکنجه را انجام داد. مواد ۱-۴۳۱ تا ۵-۴۳۱ قانون جزای سنگال، جرایم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و دیگر نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه را جرم‌انگاری کرده است.

به موجب ماده ۶-۴۳۱ اصلاحی قانون جزای سنگال، هر شخصی می‌تواند به خاطر فعل یا ترک فعلی که در هر مکان یا زمانی مرتکب شده و مطابق با اصول کلی حقوق توسط جامعه بین‌المللی به عنوان جنایت شناخته شده است و به منزله تخطی از قانون در هر زمان و مکانی می‌باشد مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد.

افزون بر آن، ماده ۶۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری سنگال بدین شرح اصلاح گردید: هر خارجی که خارج از سنگال متهم به ارتکاب یا معاونت هر جرمی که مربوط به مواد ۱-۴۳۱ تا ۵-۴۳۱ قانون جزا است مطابق مقررات سنگال یا مقررات لازم‌الاجرا، در سنگال تحت تعقیب یا محاکمه قرار می‌گیرد اگر او در قلمرو سنگال باشد یا مجنی‌علیه

در سنگال ساکن باشد و یا دولت درخواست استرداد او را کند. ماده ۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری سنگال نیز مقرر می‌دارد که دادگاه‌های سنگال صلاحیت رسیدگی به همه جرایم قابل مجازات در قانون سنگال که در خارج از سنگال و به وسیله سنگالی یا خارجی ارتکاب می‌یابد اگر مجنی علیه دارای ملیت سنگال در زمان ارتکاب جرم باشد را دارا می‌باشد. سنگال در سال ۲۰۰۹ قانون اساسی خود را اصلاح کرد و برای اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی، در اصل نهم قانون اساسی استثنایی قائل شد که جرایم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی گذشته تحت قواعد حقوق بین‌الملل قرار دارند و قوانین جزایی نسبت به آنها عطف بماسبق می‌شوند.

در پرونده هابره، وی در سنگال بوده و دولت بلژیک تقاضای استرداد او را کرده است و عده‌ای از قربانیان جنایات هابره در کشور سنگال ساکن هستند و برخی از آنها دارای تابعیت سنگالی می‌باشند که به موجب کنوانسیون منع شکنجه و اصلاحات سال ۲۰۰۷ مقررات سنگال، محاکم سنگال صالح به رسیدگی به جرایم وی می‌باشند. در خصوص نقض بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه، دیوان اعلام داشت که باعنایت به این که در زمان ثبت دادخواست اختلافات مربوط به اجرا و تفسیر بند مذکور پایان یافته است دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای بلژیک در خصوص بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه را دارد (icj, 2012, p. 20)؛ زیرا اصلاحات مقررات سنگال در سال ۲۰۰۷ صورت گرفت و دادخواست بلژیک در سال ۲۰۰۹ ثبت شده بود و قبل از ثبت دادخواست، موجبات اختلاف از بین رفته بود.

۲-۲. دولت بلژیک و اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جنایات هابره

در سال ۲۰۰۰ انجمن قربانیان چادی- بلژیکی جنایات هابره شکایتی علیه هابره به اتهام نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شکنجه و نسل‌کشی تقدیم بازپرس بلژیکی کردند که مبنای آن، قانون مجازات نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بلژیک و کنوانسیون منع شکنجه بود که بلژیک در سال ۱۹۹۹ به آن پیوسته بود.

مبنای صلاحیت جهانی بلژیک نسبت به رسیدگی به جرایم هابره کنوانسیون منع شکنجه و قانون بلژیک است که به موجب آن دولت بلژیک نسبت به رسیدگی به جنایات هابره دارای صلاحیت جهانی می‌باشد.

از جمله کسانی که بر اساس قوانین صلاحیت جهانی بلژیک مورد تعقیب قرار گرفت

عبدالله یرو دیا وزیر امور خارجه وقت کنگو بود که پرونده او منجر به صدور حکم جلب بین‌المللی نامبرده توسط بازپرس بروکسل گردید. در پی صدور این حکم، بشر در روابط دو کشور پدید آمد و در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰ منجر به اقامه دعوی کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری گردید. دیوان در رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ این عمل بلژیک را خلاف حقوق بین‌الملل اعلام نمود و با این رأی دیوان مانع بزرگی بر سر راه اعمال این قانون به وجود آمد.

بعد از رأی فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، بلژیک در ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ اصلاحاتی در مقرراتش به وجود آورد و پس از آن قانون پنجم اوت ۲۰۰۳ را تصویب کرد که به موجب آن قانون‌گذار موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کتاب دوم از قانون جزا یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی که تا آن تاریخ در قانون ۱۹۹۳ با اصلاحات ۱۹۹۹ پیش‌بینی شده بود را به قانون جزا منتقل کرد که به موجب آن قانون، هر بلژیکی و یا هر شخصی که اقامتگاه اصلی او در قلمرو بلژیک باشد اگر مرتکب جرایم مذکور در هر نقطه از عالم گردد محاکم بلژیک برای رسیدگی به اتهامات وی صالح می‌باشند و همچنین به موجب اصلاحات ماده ۱۰ فصل مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری بلژیک، هر خارجی که در خارج از بلژیک مرتکب نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه علیه شخصی شود که در زمان ارتکاب عمل تبعه بلژیک است یا علیه شخصی که حداقل به‌طور مؤثر، معمول و قانونی در بلژیک اقامت دارد، قابل تعقیب خواهد بود (خالقی، ۱۳۸۴، صص ۲۵ و ۲۶).

در خصوص اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک با توجه به این که شکات پرونده هابره در بلژیک دارای تابعیت چادی- بلژیکی بوده‌اند و بنابر اصل صلاحیت منفعل که منفعل علیه جرم بلژیکی تلقی می‌شده است لذا دولت بلژیک در اجرای کنوانسیون منع شکنجه می‌توانست بنابر اصل صلاحیت جهانی نسبت به تعقیب کیفری هابره اقدام کند، ولی با توجه به اصلاحات سال ۲۰۰۳، صلاحیت جهانی بلژیک محدود بوده است.

۳. منع شکنجه، یک قاعده آمره بین‌المللی

شکنجه به‌عنوان جنایت علیه بشریت، از منظر حقوق بین‌الملل جرم می‌باشد و عملی خلاف حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است.

برای این که شکنجه به‌عنوان جنایت علیه بشریت تلقی گردد لازم است که بخشی از

یک رویه گسترده یا منظم باشد و لازم به گفتن نیست که این شرط عمومی برای تمام جرایم علیه بشریت ضروری است. علاوه بر این، متهم باید نسبت به این که شکنجه‌هایش بخشی از آن رویه گسترده یا منظم بوده است علم داشته باشد. در چهارچوب جرایم علیه بشریت نیز اشخاص حقوقی ممکن است مرتکب جرم شکنجه شوند و لزومی به شرکت مقامات دولتی در فعل خاص شکنجه نیست و آن شخصی که در ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه آمده است، رنج و محنت که عنصر ضروری شکنجه است باید توسط و یا با رضایت صریح یا ضمنی یک مقام دولتی یا سایر اشخاصی که با سمت رسمی عمل می‌نمایند وارد شده باشد (کاسسه، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).

دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه *فورندژیا*^۱ اظهار داشته است که وجود مجموعه‌ای از قواعد عمومی و قراردادی در منع شکنجه حاکی از این است که جامعه بین‌المللی با درک اهمیت منع قانونی این پدیده مذموم، چنین عزم کرده است که هرگونه ابراز وجود شکنجه را چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح فردی، در نطفه خفه کند و هیچ راه فردی قانونی باقی نماند که از نظر این دادگاه، نه فقط هر معاهده مغایر با قاعده آمره منفسخ می‌گردد بلکه هر رویه، قانون یا اقدام داخلی و یا حتی قواعد عرفی بین‌المللی متعارض با قاعده آمره منع شکنجه نیز در مقابل آن تاب نیاورده و فاقد اثر حقوقی می‌شود (رنجریان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰).

با عنایت به این که حسن هابره متهم به شکنجه سیستماتیک می‌باشد لذا جنایت ارتكابی وی نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل است و چه دولت محل وقوع جرم و چه سایر دولت‌ها به خاطر نقض یک قاعده آمره بین‌المللی ملزم به تعقیب کیفری وی یا استرداد وی می‌باشند.

۴. مصونیت هابره

مصونیت را به‌طور کلی می‌توان به‌منزله سپری دانست که افراد را از تعقیب معاف می‌گرداند. حال اگر بخواهیم تعریفی از مصونیت ارائه دهیم باید بگوییم که به‌موجب قواعد عرفی حقوق بین‌الملل و به‌واسطه انجام وظایف، برخی از افراد که عبارتند از سران دولت‌ها، نمایندگان دیپلماتیک و اعضای هیئت وزیران، از مصونیت برخوردارند تا بتوانند

1. Frundzija.

وظایف خود را فارغ از هرگونه آسیب و مداخله به پایان برسانند.

بنابراین، پرسشی که مطرح می‌شود این است که در صورت ارتکاب جرایم بین‌المللی آیا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی با توجه به مصونیت سران دولت‌ها، درخصوص تعقیب آنها با مانعی روبه‌رو می‌شوند؟ بنابر ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سمت افراد در زمان ارتکاب جنایات بین‌المللی تأثیری بر اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی ندارد و مصونیت مانع صلاحیت دیوان نمی‌شود.

درخصوص صلاحیت محاکم داخلی نسبت به جرایم بین‌المللی با عنایت به مفاد رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲، دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام می‌دارد که مصونیت در مقابل محاکم یک دولت خارجی همچنان به‌قوت خود باقی است، حتی زمانی که آنها صلاحیت خود را بر اساس این کنوانسیون‌ها احراز و اعمال می‌کنند. البته دیوان اعلام می‌کند که مصونیت سبب تبرّی از مسؤولیت و بی‌کیفر ماندن نمی‌شود. مصونیت کیفری قضایی و مسؤولیت کیفری دو مفهوم کاملاً مجزا از یکدیگرند و درحالی که مصونیت قضایی یک قاعده شکلی است، مسؤولیت کیفری یک قاعده ماهوی است. مصونیت کیفری می‌تواند برای مدتی مانع پیگرد برخی جرایم شود اما سبب تبرّی از مسؤولیت کیفری نمی‌شود (بیک‌زاده، ۱۳۸۹، صص ۶۰ و ۶۱).

حسن هابره، رئیس سابق دولت چاد در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ بوده است. لذا درخصوص جنایات ارتكابی در زمان تصدی دولت چاد که در راستای وظایفش مرتکب جنایت علیه بشریت شده است آیا نامبرده را می‌توان دارای مصونیت دانست و اظهار داشت که وی در زمان ارتکاب جزء سران دولت بوده است و به‌لحاظ برخورداری از مصونیت نمی‌توان او را مورد تعقیب قرار داد؟ دولت چاد برای سهولت امکان محاکمه هابره در یک کشور خارجی، در دسامبر ۲۰۰۲ مصونیت هابره را لغو کرد و به‌صورت عمومی اعلام کرد که هابره از هیچ مصونیتی برخوردار نیست (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

صرف‌نظر از اعلام لغو مصونیت هابره، به‌نظر می‌رسد که محاکم داخلی سنگال بنابر مفاد ماده ۴ کنوانسیون منع شکنجه که مرتکبین شکنجه در همه دولت‌ها مجرم شناخته می‌شوند و این که مصونیت کیفری مطلق نیست و فقط برای مدتی مانع پیگرد جرایم می‌شود و مسؤولیت کیفری را نفی نمی‌کند و در زمانی که هابره در سنگال بود دیگر دارای سمت رسمی نبود، لذا فاقد مصونیت کیفری بوده است و می‌توان وی را

تحت تعقیب و محاکمه قرار داد و هابره نسبت به اعمال ارتكابی خود دارای مسؤولیت کیفری است و مصونیتی وجود ندارد تا مانع اعمال صلاحیت از سوی محاکم بلژیکی یا سنگال گردد.

۵. تعهد به استرداد یا محاکمه حسن هابره

بلژیک از سنگال تقاضای استرداد هابره را نمود که بنابر ماهیت جنایات ارتكابی توسط هابره، دولت سنگال ملزم به محاکمه یا استرداد وی می‌باشد. استرداد در لغت یک واژه عربی است که از ریشه «رد» گرفته شده است و در لغت به معنای درخواست بازگردانیدن و بازدهی و پس فرستادگی، باز پس خواستن و تسلیم مجرم به دولت متبوع وی به اثر تقاضا آمده است (عباسی، ۱۳۷۳، ص ۱۷).

از لحاظ حقوقی می‌توان استرداد را عبارت از اقداماتی که بر اثر آن دولت‌ها متقابلاً افرادی را که به علت ارتكاب جرم تحت تعقیب مقامات قضایی دولتی قرار گرفته و یا محکوم شده‌اند و به قلمرو دولت دیگر فرار کرده‌اند موافق قواعد و شرایط خاصی به یکدیگر مسترد می‌دارند. دولتی که استرداد را تقاضا می‌کند دولت متقاضی و دولتی که از او تقاضای استرداد می‌شود دولت متقاضی عنه نامیده می‌شود (فاطمی شریعت‌پناهی، ۱۳۵۴، ص ۱۰).

بر اساس صلاحیت جهانی، هر کشور حق دارد و در برخی از موارد موظف است که به جرایم حقوق بشری مهم و جدی، صرف‌نظر از محل وقوع جرم و صرف‌نظر از ملیت مجرم یا قربانی رسیدگی کند (kamminga, 2001, p. 941).

تمامی دولت‌ها می‌توانند متهمین به ارتكاب جرایم بین‌المللی یعنی جرایم ارتكابی علیه جامعه بین‌المللی را مورد تعقیب قرار دهند. این جرایم عمدتاً از نقض تعهدات در قبال کل جامعه جهانی ناشی می‌شوند و تعهداتی عام‌الشمول هستند و بنابر نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *بارسلونا تراکشن*، تمامی دولت‌ها می‌توانند برای حفظ آن دارای منفعت حقوقی باشند. چند نمونه از این تعهدات عبارتند از: غیرقانونی دانستن تجاوز، کشتار جمعی، حمایت بر ضد برده‌داری و ...؛ لازم به ذکر است که به این علت که مصادیق تعهدات عام‌الشمول همواره در حال تغییر و تحول‌اند، جرایمی که در موضوع صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند همچنان در حال افزایش‌اند (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۶). در حقوق این دسته از جرایم، همه دولت‌ها تعهد به محاکمه مجرمین یا استرداد آنها

را دارا می‌باشند. چنانچه یک دولت عضو «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا ترذیلی» مصوب دهم دسامبر ۱۹۸۴ که استرداد مجرمین را موکول به وجود کنوانسیون جداگانه استرداد می‌داند مواجهه با درخواست استرداد توسط دولت دیگر عضو کنوانسیون شود درحالی‌که با آن دولت کنوانسیون استرداد ندارد، در این صورت براساس بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۸۴ می‌تواند کنوانسیون مذکور را به‌عنوان توجیه‌کننده و مبنای قضایی استرداد در مورد جرایم فوق‌الذکر قرار دهد (عباسی، ۱۳۷۳، ص ۶۷).

معاهدات متعددی تعهد به استرداد یا محاکمه را بیان کرده‌اند، اما همه آنها معاهدات جهانی نیستند و این تعهد، برای همه جرایم جدی قابل اجرا نمی‌باشد و جرایم اصلی ژنوسید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی و نقض‌های شدید کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول آن را شامل می‌شود. این قابل فهم است که چرا دارای مبنای غیرمعاهده‌ای تعهد به محاکمه و استرداد قطعی است که توسط جامعه بین‌المللی که شامل کمیسیون حقوق بین‌المللی نیز می‌باشد بحث شده است (Rapchalvan steen berghe, 2011, p. 1090).

به‌موجب بند ۲ از ماده ۶ و بند ۱ از ماده ۷ کنوانسیون منع شکنجه، سنگال مکلف است اقدامات مقدماتی فوری درخصوص جرایم ارتکاب‌یافته توسط هابره را انجام دهد و مکلف است که پرونده هابره را به مراجع صلاحیتدار ارجاع دهد و یا او را به بلژیک مسترد کند، که سنگال با عدم انجام اقدام فوری درخصوص تحقیقات مقدماتی نسبت به پرونده حسن هابره و عدم ارجاع پرونده هابره به مراجع ذیصلاح، تعهدات بین‌المللی خویش را بر مبنای کنوانسیون منع شکنجه نقض کرده است و مکلف است که نسبت به محاکمه هابره به‌اتهام جنایت شکنجه اقدام کند و یا او را مسترد نماید.

نتیجه

رای بیستم فوریه ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری مؤید این است که سنگال به لحاظ نقض کنوانسیون منع شکنجه در قصور در تعقیب کیفری هابره، عدم ارجاع پرونده وی به مراجع صلاحیتدار و عدم استرداد وی به بلژیک به اتهام جنایت شکنجه، تعهدات بین‌المللی را نقض کرده است.

این رای بیان‌گر آن است که اکنون جامعه بشری به این درجه از درک و حساسیت رسیده است که مصونیت کیفری سران کشورها را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند. ظهور تغییرات سریع در عرصه حقوق جزای بین‌الملل در دهه اخیر نیز مدیون همین درک از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی است (باقری، ۱۳۹۱، ص ۴۸)، به گونه‌ای که سمت‌های اشخاص در مقام ریاست دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل کیفری را نمی‌توان بهانه‌ای برای مصونیت آنان و عدم تعقیب و مجازات آنها تلقی نمود به طوری که با پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی مؤید پایان مصونیت کیفری جنایتکاران بین‌المللی می‌باشد و به عبارتی، دوران حاضر را باید آغاز عصر پایان مصونیت سران دولت‌ها به اتهام جنایات بین‌المللی دانست.

لذا با عدم پذیرش مصونیت هابره و اعمال صلاحیت جهانی نسبت به اتهامات وی و این که ممنوعیت شکنجه به عنوان یک قاعده آمره^۱ شناخته شده است و اعضای جامعه بین‌المللی مجاز به تخطی از آن نمی‌باشند و تمامی دولت‌ها متعهد بر محاکمه متهمین به شکنجه و یا استرداد آنها می‌باشند، امروز مانعی برای فرار از مجازات مرتکبین این جنایات بین‌المللی باقی نمی‌ماند؛ چرا که مرتکبین این جنایات هیچ نقطه امنی در جهان نخواهند داشت و از این طریق، صلح و امنیت بین‌المللی تضمین می‌گردد و مرتکبین این جنایات بین‌المللی به کیفر اعمال خلاف خویش در اقصی نقاط عالم می‌رسند.

ممنوعیت شکنجه به عنوان یک قاعده آمره، از سوی حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است و مسؤولیت بین‌المللی برای دولت‌های ناقض و مسؤولیت کیفری برای مرتکبین احتمالی آنها مفروض می‌باشد. سمت افراد نمی‌تواند بهانه مصونیت آنان تلقی گردد و دولت‌ها به منظور احترام به حقوق بین‌الملل مکلفند که متهمین به ارتکاب شکنجه را در صورت شناسایی رأساً محاکمه و یا به کشور صالح مسترد نمایند.

1. Juscognes.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. احمدی نژاد، مریم؛ *موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱.
۲. باقری، سعید؛ *استرداد مجرمان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد*، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۳. بیگزاده، ابراهیم؛ *مجموعه مقالات نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل، دیوان بین‌المللی دادگستری و حقوق دیپلماتیک و کنسولی*، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۴. رنجبریان، امیرحسین؛ *پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه*، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷.
۵. رنجبریان، امیرحسین؛ *قانون ۹۹-۱۹۹۳ بلژیک با رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون*، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، شماره ۵۸، ۱۳۸۵.
۶. طباطبایی اردکانی، سپیده؛ *اعمال صلاحیت جهانی در پرونده حسن هابره*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۷. عباسی، محمود؛ *استرداد مجرمین*، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۳.
۸. فاطمی شریعت‌پناهی، سیدکاظم؛ *استرداد مجرمین*، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۴.
۹. کاسسه، آنتونیو؛ *حقوق کیفری بین‌المللی*، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.

ب. منابع خارجی

10. Amnesty international, Amnensy inter national Report 1991, at 59- 60.
11. Bel Givm V. Senegal, Questions Relating to the obligation to prose cute or Extradite available at 20 july 2012.
12. Convention against torture 1984.
13. icj, case concerning Armed Activities on the Territory of the congo, Democratic Republic of congo V. Rwanda.
14. icj, Questions Relating to obligation to prosecute or Extradite, available at <http://www.icj-cij.org/docket/files/1144/17064>.
15. kamminga, Minnot, (2001) lessons learned from the Exercise of universal jurisdiction in Respect of Gross Human Rights offenses,

Human Right Quarterly 23.

16. R. Maison, les premiers cas d' application des dispositions penales des oonventions de Genere par les juris dictions internes, b Ejll (1995), 26 ff.
17. Raphael van steen berghe, The obligation to Extradite or Prosecute clarifying it's nature, journal of international criminal justice 9 (2011), 1089-1116.
18. Reed Broby, the prosecution of Hissen. Habre An "African Pinochet" New England law Rieview, Vol 35, 2001.

Obligation to Prosecution or Extradition in Case of Hessene Habre

Amir Biparva*

Received: 31/5/2018

Accepted: 6/8/2018

Abstract

The decision of the International Court of Justice in case of Belgium against Senegal about the breach of article 6 and 7 of Convention against torture about the obligation to prosecute or extradite of the ex-president of Chad is important from different dimensions due to the fact that it shows the obligation of the international community about prosecution and extradition of international criminals. This decision indicates the jurisdiction of Belgium about the prosecution of Hessne Habre for the crime of torture. The prohibition of torture has been accepted as jus cogens and therefore the immunity of a head of states is not accepted accordingly. The members of international society have responsibility toward prosecution and extradition of international criminals. In contemporary international law, there is no immunity for international criminals. The procedure of the International Court of Justice in case of Hebre confirms the obligation of the states to prosecution or extradition of Hebre for the crime of torture. Now we can see obvious consensus in the international community in the prosecution of the crime of torture as a common principle in binding international documents.

Key words: *Universal Jurisdiction, Torture, Immunity, Extradition, Prosecution.*

*Ph.D in International Public Law of Imam Reza International University.
biparvaamir@yahoo.com